

### متن پرسش

سلام و درود: در صفحه اینستاگرام عکس کتاب سلوک ذیل شخصیت امام حضرتعالی را گذاشتم و متنی را زیر آن به هدیه گذاشتم و آن متن چنین است: « سحر ز هاتف غییم رسید مژده به گوش که دور شاه شجاع است، می دلیر بنوش ... من \_ یک بچه‌ی یک لاقبایی که هشتش گروه نه‌ش بود \_ که خمینی نمی‌شناخت؛ یعنی نه اینکه نشناسم، بله! به قدر تصاویر جعبه جادویی آن‌هم در ایام رحلت یا دهه فجر می‌شناختم، و می‌فهمیدم او یک رهبری بود که شاه را بیرون کرد و حکومت را سرنگون و همین. اما خمینی که اصلن شناختنی نبود \_ که عشق آمدنی بود نه آموختنی \_ بل دیدنی بود دیدنی، یعنی #طاهرزاده دستمان را گرفت و برد به دیدار امام. آن هم نه دیداری در حسینیه جماران و از جنس صورت بلکه دیداری از جنس عقل در عالم قلب، دیداری از جنس سلوک و سلوکی از جنس عالم خدای خمینی و بسیجی‌هایش. خدایی که مدت‌ها بود گم شده و هر که سرش به تنش زار نمی‌زد همچون نیاز به هوا برای نفس کشیدن انتظارش را می‌کشیدند. همان خدای پریروز و پس‌فردا و این چنین بود که #سلوک\_ذیل\_شخصیت\_امام\_خمینی شکل گرفت و ما را از نو متولد کرد و حیاتی دوباره بخشید. السلام علیک یا روح الله. السلام علیک یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیا»

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: امید است سلوک ذیل شخصیت اِشراقی حضرت روح الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» راهی باشد که در آن راه بتوانیم با عطایایی روبه‌رو شویم که هرگز با فکر به دست نمی‌آید و تنها باید خود را در معرض آن قرار داد. آری! در معرض «جمالی» که «جلال» الهی را نمایان می‌کند. امام خمینی؛ «جمالی» که «جلال» الهی را نمایان می‌کند البته غزلی را که متذکر شده اید حقیقتاً مصداق عالی آن حضرت امام می‌باشد امید است بتوانم در این رابطه عریضی داشته باشم. موفق باشید